

اشاره:

رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت پیگیری و اجرای برنامه اقتصاد بدون نفت، حساسیت موقعیت اقتصادی کنونی کشور و ضرورت افزایش صادرات غیرنفتی را گوشزد نمودند.

بر مسؤولان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصاد کشور واجب است که رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی را فراروی خود نهند و برنامه ایران ۱۴۰۰ را طرح‌ریزی نمایند.

از آنجا که توسعه اقتصادی پایدار و فقرزدایی بدون رشد صادرات غیرنفتی میسر نخواهد شد، همانا تلاش و برنامه‌ریزی برای این هدف و آرمان بزرگ انقلاب اسلامی (رهایی از اقتصاد وابسته به نفت)، اجتناب‌ناپذیر است.

در طرح‌ریزی اقتصاد بدون نفت با هدف رشد صادرات غیرنفتی، از آنجا که صدور کالاهای صنعتی، ارزش افزوده بالاتر برای تولید ناخالص داخلی و اشتغال به ارمغان می‌آورد، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان کالاهای غیرنفتی برخوردار است.

انجمن مدیران صنایع کشور در پاسخگویی به فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی برای بنیانگذاری اقتصادی ناوابسته به نفت، تحت کارفرمایی وزارت صنایع با کمک شانزده کارشناس خبره اقتصاد و صنعت، ظرف هشت ماه طرحی را تنظیم و تدوین کرد که پس از انجام بررسی‌های لازم از سوی این وزارتخانه به مسؤولان کشور ارایه شد.

این طرح، پس از مصاحبه‌ها و بررسی‌های عمیق از سوی ۱۴۰۰ عضو انجمن صنایع ایران و بررسی موقعیت ۱۲ واحد صنعتی صادرکننده کالا و نیز بررسی تطبیقی بر روی کشورهای روبه‌رشدی که از توسعه صنعت بهره‌مند شده‌اند، در یک‌هزار صفحه تهیه شده است. در این بررسی‌ها، عوامل مشترک در توفیق کشورها و واحدهای صنعتی در امر صادرات‌گزینش و دیدگاه‌ها و نظرات کارآفرینان اقتصادی جمع‌بندی شده است.

در این طرح، موقعیت کنونی صنعت کشور و عوامل مؤثر بر رشد صادرات محصولات صنعتی به دقت بررسی و ارزیابی شده و بر مبنای نتایج حاصل از مطالعات عمیق کارشناسی، رهنمودهای لازم برای ارایه به مدیران صنعت تدوین شده است.

به جهت اهمیت این بررسی اقتصادی - صنعتی، خلاصه گزارش برای خوانندگان نشریه «بررسی‌های بازرگانی» ارایه می‌شود.

# سیاست‌ها، استراتژی‌ها و راه کارهای پیشتهادی برای توسعه صادرات صنعتی

لازم - بیش از این - پدید آید، فضای موردنیاز و مطلوب‌تری آماده شود، اولویت‌ها مشخص گردد و بالاخره امکانات به‌درستی تخصیص یابد، می‌تواند انتظاراتی را که برای نقش‌پذیری برجسته‌تر در اقتصاد می‌رود، برآورده سازد.

**الف) مقدمه**  
بخش صنعت ایران، علی‌رغم مشکلات و تنگنای بی‌شمار برای استمرار و تداوم تولید، امکانات فراوانی را نیز در مجموعه اقتصاد کشور در کنار خویش دارد که اگر فرصت‌های

تحقق این هدف به سازماندهی، تفکر، نظام دادن به رفتارها و اقدامات و تصحیح دیدگاه‌ها و ذهنیت‌ها نیازمند است.

○ اقتصاد ایران از نظر سهم دولت در هزینه ملی به ساختار اقتصادهای با درآمد سرانه ۴۰۰۰ دلار نزدیک است. در این اقتصادها، ذهنیت‌ها و تلاش‌های اهل کسب و کار و تولید، بر روی دولت متمرکز است نه بر روی بازارها. بازاریابی و تولید در فضای باز رقابتی.

واقعیت این است که بین تغییر ساختار اقتصادی و سطح درآمد، رابطه‌ای قوی برقرار است و در اقتصادی که با رشد همراه باشد، تغییر ساختار اقتصادی با انتقال از یک اقتصاد وابسته به زمین و با درآمد پایین، به یک اقتصاد شهری صنعتی با درآمد بالاتر، اتفاق می‌افتد و در این مسیر، صنعتی شدن با سهم بیشتر صادرات صنعتی در درآمد ملی همراه می‌گردد.

تغییر ساختار اقتصادی، خود موجب تغییرات اساسی در بخش صنعت می‌گردد و جایگاه صنایع مختلف در درون بخش، دچار تحول می‌شود، زیرا بخش تولید کارخانه‌ای خود از نوعی قانونمندی تبعیت می‌کند.

صنایع آغازین، برای جوابگویی به تقاضاهای اساسی و اولیه جمعیت - مانند خوراک، پوشاک و سایر کالاهای مصرفی بی‌دوام - برای قشرهایی از جامعه که دارای درآمد ناچیز می‌باشند و عمدتاً وابسته به تولیدات کشاورزی می‌باشند، بدو شکل می‌گیرند.

به دنبال صنایع آغازین و بعد از گذشت یک دوره توسعه، صنایع میانی با تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای برپا می‌شوند. کنش درآمدی تقاضا برای فرآورده‌های این گروه از صنایع به‌طور عمده بیش از واحد است.

و بالاخره صنایع پایانی است که در مراحل آخرین گذار به سوی صنعتی شدن، ایجاد و توسعه می‌یابند. در این مرحله است که صنعت، جایگاه و سهم خود را به‌طور کامل در تولید ناخالص داخلی به‌دست می‌آورد. تولید کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی با دوام و تکنولوژی‌طلب، مانند صنایع ماشین‌سازی و الکترونیک محصول این مرحله از توسعه صنعتی می‌باشند. این دسته از صنایع خود عامل توسعه نیز می‌شوند و سایر بخش‌ها را به دنبال خود می‌کشند و به تحرک

وامی دارند.

به‌هر حال باور اقتصاددانان و متفکران - که طی یک قرن بارها تکرار شده - این است که صنعتی شدن تنها راه جبران عقب‌ماندگی‌های فنی و اقتصادی در کوتاه‌ترین مدت ممکن و با حداقل وابستگی به خارج و عامل اساسی برای ایجاد تغییر و تحول در روابط اجتماعی - اقتصادی جوامع بوده و می‌تواند بشر را از گذشته‌ای متکی بر بازی‌های تصادفی نیروهای طبیعی به یک آینده خودساخته، مطمئن و قابل پیش‌بینی حرکت دهد.

آنچه که تردید در آن روا نیست، این است که صنعت به‌عنوان عامل محرکه رشد برای سایر بخش‌ها نیز تقاضا به‌وجود می‌آورد، ثروت‌زایی می‌کند، ظرفیت و توان ایجاد درآمد ارزی و صرفه‌جویی ارزی را افزایش می‌دهد، بر حجم پس‌انداز اثر مثبت می‌گذارد، بر سطح اشتغال می‌افزاید و تفکری نظام‌یافته و منسجم را جایگزین ذهنیت‌های پراکنده و ناپیوسته و ناآشنا به پیشرفت می‌سازد. به‌عبارت دیگر صنعت هم از درون و هم از بیرون به یک تحول می‌انجامد و بازده صعودی آن اقتصاد را یاری می‌دهد.

○ تنگناها و ناهنجاری‌های بخش صنعت طبعاً از دو حوزه متفاوت درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد. در حوزه درونی، از روان نبودن مناسبات و ارتباطات و ساخت و سازهای موردنیاز رنج می‌برد و در حوزه بیرونی نیز با ناهماهنگی‌های محیط بیرونی روبه‌رو است.

واقعیتی که بررسی‌ها و مطالعات نیز آن را تأیید می‌کنند، بخش صنعت کشورمان علی‌رغم سابقه طولانی و کوشش‌ها و تلاش‌هایی که در طول دو برنامه اخیر توسعه برای زیربناسازی و ایجاد صنایع استراتژیک و عمده صورت گرفته، هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای را در اقتصاد کشور بازی نمی‌کند و سهم آن در اقتصاد از ۱۵-۱۷ درصد تجاوز نمی‌نماید که در مقایسه با دیگر کشورها، با امکانات مشابه و یا حتی محدودتر، در وضعیت مورد انتظاری قرار ندارد و بالطبع صادرات آن نیز در حدی نیست که بتواند چشم‌انداز شایان توجهی را برای دستیابی به اقتصاد بدون نفت ترسیم کند. به‌عبارت دیگر بخش صنعت برای ادامه فعالیت - چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت

- برای مواجهه با چالش‌های جدید در سطح ملی و بین‌المللی باید آمادگی بیشتری را پیدا کند.

در یک بررسی تطبیقی، ساختار اقتصاد ایران از نظر سهم صادرات، تشابه زیادی با ساختار اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه ۴۰۰ دلار نشان می‌دهد و حال آنکه از نظر سهم مصارف خصوصی به اقتصادهای با درآمد سرانه ۱۰۰۰ دلار نزدیک است که نشان از مصرفی بودن جامعه ایران دارد.

اقتصاد ایران از نظر سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی به اقتصادهای با درآمد سرانه ۲۰۰۰ دلار و از نظر سهم بخش صنعت در سرمایه‌گذاری با درآمد سرانه ۵۰۰ دلار قرابت نشان می‌دهد و این امر حاکی از این است که سرمایه‌گذاری در اقتصاد کمتر متوجه صنعت می‌باشد.

اقتصاد ایران از نظر سهم دولت در هزینه ملی به ساختار اقتصادهای با درآمد سرانه ۴۰۰۰ دلار نزدیک است. در این اقتصادها، ذهنیت‌ها و تلاش‌های اهل کسب و کار و تولید، بر روی دولت متمرکز است نه بر روی بازارها، بازاریابی و تولید در فضای باز رقابتی.

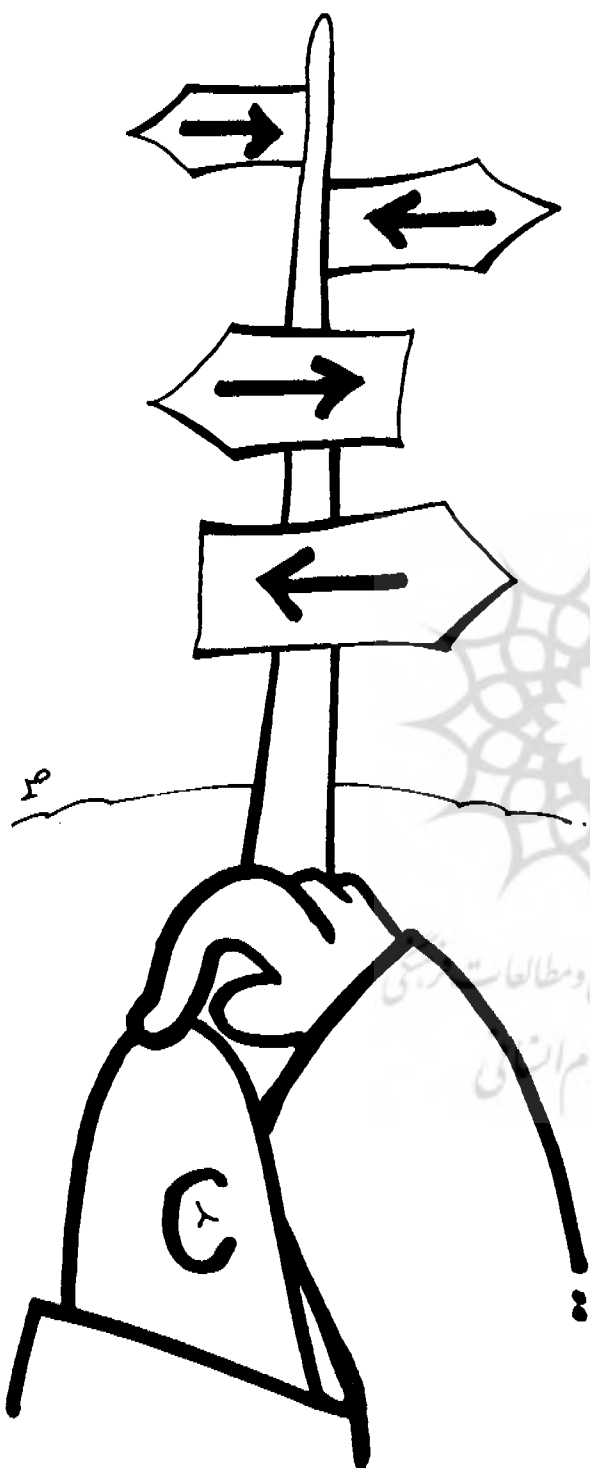
○ طی پنج دهه گذشته اقتصاد کشور همواره در سایه درآمد نفت و صادرات آن قرار داشته است. در این رهگذر اقتصاد و برنامه‌ریزی‌های توسعه کشور بر پایه درآمد نفت طراحی و به اجرا درآمده است.

بخش صنعت در ایران در چنین فضایی فعالیت می‌کند و طبعاً از آنچه که گفته شد به چند نتیجه زیر می‌توان دست یافت:

- ۱- صنعت کشور، آن‌چنان که باید، در صدد توسعه و گسترش خویش نیست و به عبارتی به آنچه که دارد قناعت می‌کند.

- ۲- سرمایه‌گذاری در بخش صنعت عمدتاً در زمینه طرح‌های بزرگ و دولتی انجام می‌گیرد و بخش خصوصی به دلایل دغدغه و نگرانی‌هایی که احساس می‌کند چندان تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش تولید نشان نمی‌دهد.

- ۳- نخستین اولویت برای اصلاح بخش صنعت، بازننگری حرکت‌ها، گرایش‌ها و اصول حاکم بر اقتصاد کشور است تا این بخش با یک چرخش اساسی به تعادل‌های منطقی دست یابد و فضا برای تنفس بیشتر آماده شود.



اقتصادی می‌باشند را دربرمی‌گیرد.

دیدمان جدیدی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دربارهٔ صنعت و تولید مطرح و سلطه و نفوذ خود را دایماً گسترش می‌دهد، بر محور انتقال، بازاریابی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و هزینه‌های کاهنده ارتباطات و تراپری شکل گرفته است. آثار و شواهد احتمالی دیدمان جدید که می‌تواند در ارزیابی نقش صنعت در آینده مؤثر و مفید باشد، حاکی از گرایش‌های مربوط به یکپارچگی اقتصادی (منطقه‌ای یا سراسری) - که به «جهانی شدن اقتصاد» معروف شده است - توسعه بازارهای مالی، گسترش تجارت، گسستگی روابط مکانی تولید و جایگاه پراهمیت صنعت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌باشد.

### ○ در برنامهٔ دوم توسعه، هدف این بود که فقط ۵۰ درصد منابع مالی دولت از درآمد نفت باشد، لیکن بودجه سال گذشته نشان داد که برای رسیدن به این هدف باید تلاش بیشتری کرد.

علاوه بر آن، از تشدید تغییرات ناشی از تحولات تکنولوژیک و فن‌آوری، از ایجاد تنوع در تولیدات، کاهش هزینه تولید محصول، سریع‌تر شدن فرآیند تولید و کاهش اندازه و مقیاس بنگاه‌ها حکایت می‌کند و جهت‌گیری به‌سوی بازار را تقویت می‌نماید، به‌نوعی که صنعت به‌طور روزافزونی حالت دینامیک (تحرك) و آفرینندگی بیشتری می‌یابد.

در طی پنج دهه گذشته، اقتصاد کشور همواره در سایه درآمد نفت و صادرات آن قرار داشته است. نگاهی به برنامه‌های عمرانی اجرا شده در نظام سیاسی گذشته و همچنین در بعد از انقلاب، گویای این نظر است که اقتصاد و برنامه‌ریزی‌های توسعه ما بر پایه درآمد نفت طراحی و به‌اجرا درآمده است. به‌طوری که از ۱۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی دولت در برنامهٔ اول توسعهٔ جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۶۸ میلیارد آن به‌طور مستقیم از درآمد نفت و بخشی دیگر به‌طور غیرمستقیم متأثر از این درآمد بوده است. در برنامهٔ دوم توسعه نیز که قرار بود فقط ۵۰ درصد منابع مالی دولت از درآمد نفت باشد، معهداً بودجه سال گذشته نشان داد که برای رسیدن به این هدف باید تلاش بیشتری کرد (که برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران اقتصادی ما به‌خوبی روشن شده است).

تنگناها و ناهنجاری‌های بخش صنعت طبعاً از دو حوزه متفاوت درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد. در حوزهٔ درونی، از روان نبودن مناسبات و ارتباطات و ساخت و سازهای موردنیاز رنج می‌برد و در حوزه بیرونی نیز با ناهماهنگی‌های محیط پیرامونی روبه‌رو است.

نارسایی‌های درونی بخش صنعت ناشی از عوامل مختلفی است که از جمله موارد عمده آن می‌توان به فقدان نظام صنعتی، کمبود مدیریت کارآمد، سطح نازل علم و مهارت، وجود فاصله تکنولوژیک با کشورهای صنعتی، پراکندگی و کوچک بودن اندازه کارگاه‌های تولیدی، سوداگری بنگاه‌ها و وجود گرایش‌های بازرگانی در آنها، کم‌رنگ بودن سهم بخش خصوصی در ارزش افزوده صنعتی، فعال نبودن مراکز پژوهش و توسعه در درون بخش، کیفیت نه‌چندان مطلوب محصولات و فرآورده‌های صنعتی و بالاخره ناآگاهی از پیشرفت‌های فنی، بازارها و تجارت بین‌المللی اشاره کرد.

مسائل محیط پیرامونی بخش صنعت نیز ناشی از دخالت گسترده دولت در اقتصاد، نارسایی سیاست‌های بازرگانی در زمینه‌های حمایتی و تعرفه‌ای، نامناسب بودن نرخ‌های مالیاتی و حمایت مؤثر، وجود بازدارنده‌های جدی در سرمایه‌گذاری از قبیل کمبود امنیت اقتصادی، وجود مقررات کاهنده انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، عدم ثبات در قوانین و مقررات و تصمیمات (به‌ویژه مقررات پولی و بانکی)، کمبود وحدت و انسجام و هماهنگی در تصمیم‌گیری، مبهم بودن مقررات و قوانین بازار سرمایه، نبود فضای مناسب برای جذب سرمایه‌های خارجی، فقدان استراتژی‌های صنعتی و اقتصادی و بالاخره نبود دیدگاهی مشخص نسبت به صنعت در جامعه می‌باشد.

علی‌رغم همهٔ این مشکلات و مسایلی که به آنها اشاره رفت، با تکیه بر توانایی‌های بالقوه و بالفعل موجود در کشور می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد و آنها را از پیش پا برداشت. کافی است عزم ملی بسیج گردد، سیاست‌ها مشخص شود و استراتژی‌ها به‌درستی تدوین شود.

قبل از هر چیز باید پذیرفت که تعریف صنعت امروزه به‌کلی با گذشته تفاوت دارد. صنعت امروز پدیده‌ای در جهت علمی کردن تولید، توزیع و خدمات و ایجاد فرصت‌های لازم به‌منظور ارتقاء معنوی و مادی فرد در جامعه تعریف می‌شود که روابط و مناسبات بین تولید، فرآیندهای تولید، سازمان‌های تولیدی و نهادهایی که بستر ساختاری لازم را برای توسعه فراهم می‌کنند و مشخص‌کننده وجه اصلی توسعه و شرایط فنی -

○ جمهوری اسلامی ایران سابقه زیادی در صادرات صنعتی ندارد و از نیمه دوم برنامه اول توسعه، خیزش برای صادراتی کردن تولیدات صنعتی را آغاز کرده است.

۲- تواناسازی کارکردن در گروه جهت تولید صنعتی قابل انعطاف.

۴- تفویض اختیارات و صلاحیت‌های دولت به سطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب دولتی.

۵- تجدید ساختار بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های گذشته سازگار با شرایط جدید.

۶- رهاسازی دولت از فعالیت‌های تولیدی و توزیعی و تسهیل و رقابت‌پذیرسازی بنگاه‌ها برای حضور در بازار جهانی.

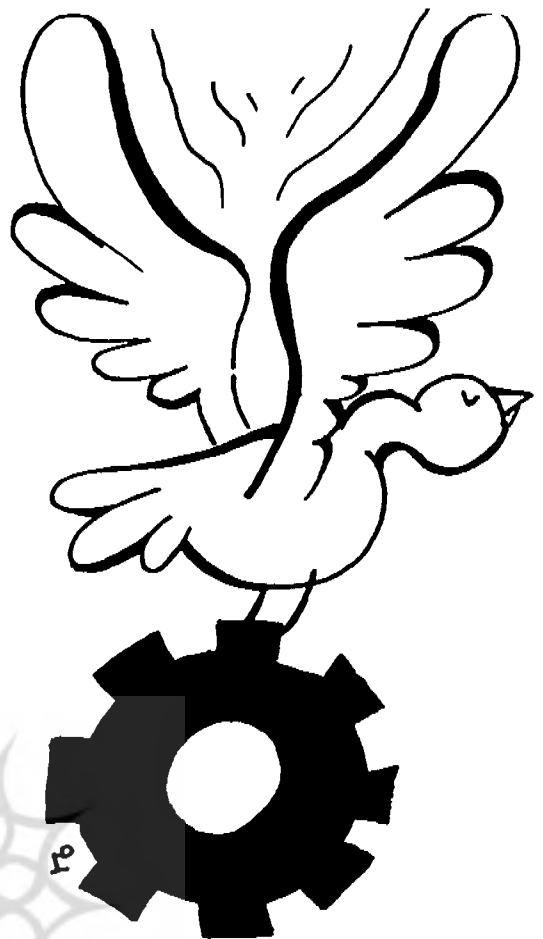
۷- گسترش زیربناهای فیزیکی در مناطقی از کشور که توسعه موردانتظار را نیافته‌اند. جذب سرمایه‌گذاری در این مناطق مستلزم انجام سرمایه‌گذاری در زیربناهای فیزیکی از جمله ارتباطات، حمل و نقل، مخابرات، برق و آب است.

۸- گسترش و تقویت زیربناهای اجتماعی و فرهنگی، از جمله: تسهیلات آموزشی و تقویت زیربناهای علمی، فنی و پژوهشی از طریق ایجاد مراکز آموزش عالی و دانشگاهی متصل و مرتبط با نیازهای مهارتی صنعت و حمایت از انجمن‌ها و تشکل‌های تخصصی و مردمی.

○ برای استمرار سیاست صادراتی در بخش صنعت باید شرایط، امکانات، مشکلات و کمبودها و محدودیت‌ها ارزیابی شود و بر پایه یک سلسله واقعیت‌ها و با اصلاح مسیرها و فعالیت‌های ناهم‌ساز گذشته، استراتژی جدیدی را تدوین کرد.

۹- افزایش سطح دانش و توان تکنولوژیکی، ضمن آنکه کشور ما در حال حاضر از توان فنی - تکنولوژیکی و سطح دانش نسبتاً خوبی برخوردار است.

۱۰- به‌کارگیری مدیریت علمی و کارآفرینی به‌منظور شکوفایی و رونق سرمایه‌گذاری و تولید صنعتی، افزایش نوآوری‌ها و ارتقاء بهره‌وری و افزایش رقابت‌مندی در سطح بین‌المللی.



سیاست‌های جدیدی که در جهت کاهش اتکای به درآمد نفت اتخاذ شده و مطالعه‌ای که برای تدوین استراتژی‌های توسعه صادرات صنعتی انجام گرفته است، مؤید ضرورت تغییر و تحول در چنین روندی است تا به تدریج و در بلندمدت، وابستگی به درآمد نفت به حداقل ممکن کاهش یابد و این درآمد به‌جای هزینه‌های مصرفی، صرفاً برای سازندگی و برپایی طرح‌های عمرانی مولد اختصاص یابد.

با توجه به دیدمان فنی - اقتصادی حاکم بر جهان اقتصادی و بی‌ثباتی ناشی از تداوم درآمد نفت، گریزی جز تغییر در روش‌ها و رفتارها برای سازگاری با نگرش جدید در پیش نیست. اینک در زیر به پاره‌ای از این تغییرات اشاره می‌شود:

۱- تغییر دیدگاه و ساختار قانون‌گذاری و وضع مقررات که منطبق با نیاز روز باشد، مضافاً اینکه ایجاد مراجع موازی قانون‌گذاری موجود بر ابهامات و اشکالات در حاکمیت قانون و امنیت قانونی و نامشخص بودن مسیر قانون‌گذاری می‌افزاید.

۲- هماهنگ‌سازی آموزش با تکنولوژی‌های جدید و کسب مهارت‌های موردنیاز به‌خصوص در زمینه‌های کامپیوتر، ریاضیات و دانایی‌های پایه در علوم.

روش‌هایی توانسته‌اند به مشکلات - تا حدی - فائق آیند و بخشی از تولیدات خود را به هر حال به خارج صادر کنند.

## ۱- تجربه‌های موفق جهانی در صادرات

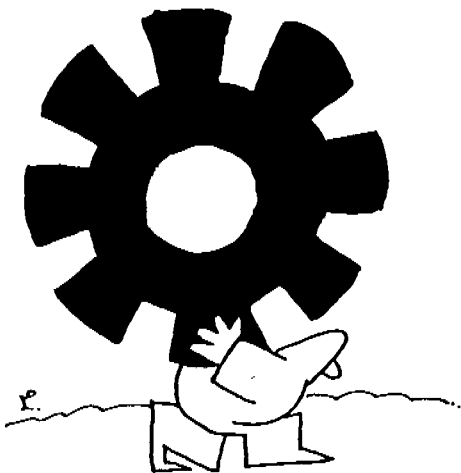
بررسی این تجربه‌ها نشان می‌دهد که هفت کشور مورد بررسی، دارای وجوه تشابه بسیاری بوده و از اصول و مبانی خاصی پیروی کرده‌اند که در اینجا به ترتیب به هر یک از آنها - و به اختصار - اشاره می‌شود.

### ۱-۱- وجوه تشابه:

۱-۱-۱- کلیه این کشورها به نوعی به دریا‌های آزاد راه داشته‌اند و در واقع در یک فضای باز جغرافیایی تنفس کرده‌اند. از این لحاظ کشورهای مزبور با ایران شباهت دارند.

۱-۱-۲- کشورهای مورد مطالعه - لاقلاً بیشترشان - همواره از جمله کشورهایی بوده‌اند که در هم‌جواری و یا در معرض خط مستقیم کمونیس‌م قرار داشته‌اند و در نتیجه از کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم غرب - به ویژه ایالات متحده آمریکا و سرمایه‌داری جهانی - منتفع گردیده‌اند. در این میان کشور تایلند با هوشمندی خاصی علاوه بر آمریکا، از حمایت‌های کشور چین نیز سود جسته است.

○ **بنگاه‌های اقتصادی موفق معتقدند که بین صادرات و بهای ارز - وجوهی که در مقابل واگذاری ارز صادراتی به بانک‌ها پرداخت می‌شود - ارتباط مستقیم وجود دارد و نرخ ارز صادراتی باید با توجه به تغییرات قیمت‌ها انعطاف‌پذیر گردد.**



۱۱- ارتقاء تدبیر و شایستگی نظام اقتصادی و صنعتی تصمیم‌گیر.

۱۲- راه‌بری تلاش‌ها و فعالیت‌های تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان صنعتی از طریق نظام شایسته اقتصادی و تصمیم‌گیر.

۱۳- اصلاح ساختار حقوق مالکیت در ایران و تعریف آن به ترتیبی که بتوان حوزه فعالیت بخش خصوصی را به درستی از بخش دولتی و عمومی تفکیک کرد.

۱۴- تأکید بر حاکمیت قانون، ثبات قوانین و مقررات و تصمیمات و جلوگیری از مداخلات غیرقانونی و غیرلازم در امر تولید.

## ب) صادرات صنعتی و تجربه‌های موفق جهانی و ملی در فرآیند صادرات صنعتی

صادرات صنعتی، فرآیندی دشوار، پرهزینه (در ابتدای حرکت) و مستلزم تلاش مضاعف و امکانات وسیعی است که باید در اختیار صادرکننده قرار گیرد.

کشور ما سابقه زیادی در صادرات صنعتی ندارد و از نیمه دوم برنامه اول توسعه، خیزش برای صادراتی کردن تولیدات صنعتی را آغاز کرده است. برای استمرار این حرکت باید دقیقاً شرایط، امکانات، مشکلات و کمبودها و محدودیت‌ها ارزیابی گردد و بر پایه یک سلسله واقعیت‌ها و با اصلاح مسیرها و فعالیت‌های ناهمساز گذشته، استراتژی جدیدی را تدوین کرد. آشنایی با تجربه دیگران، به ویژه تجارب موفق، به تنظیم راهکارها و تشخیص صواب و ناصواب، کژی از راستی و جلوگیری از اتلاف منابع برای جبران اشتباهات، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. بنابراین با توجه به این اعتقاد که مرکز نمی‌توان نقش تجربه را در ترسیم آینده نادیده گرفت و آنچه که دیگران با آزمون و خطا و تکرار آموخته‌اند به هر دلیل، ارزش آن را دارد که لاقلاً در کانون توجه برنامه‌ریزان و تحلیل آنها قرار گیرد.

تجارب هفت کشور - بیشتر آسیایی و عمدتاً کشورهای آسیای جنوب شرقی - که عبارتند از آرژانتین (قاره آمریکا)، کره جنوبی، مالزی، اندونزی، تایلند، ترکیه و هندوستان (در قاره آسیا)، در تنظیم گزارش.

علاوه بر آن، تجربه‌های ۱۲ شرکت موفق صادراتی ایرانی نیز تحت مطالعه واقع شد تا روشن شود که در همین شرایط نسبتاً دشوار کنونی، چگونه این شرکت‌ها با اتخان چه

۱-۱-۳- تمامی این کشورها در سه دهه اخیر شروع به رشد کرده‌اند. نظام حکومتی آنها غالباً متمرکز - و در مواردی خودکامه - بوده و یک نوع ثبات و آرامش - چه سیاسی و چه اقتصادی - در آن کشورها برای تمرکز در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برقرار شده است.

### ○ بنگاه‌های اقتصادی در ایران منابع مالی خاصی را برای مطالعه پیرامون بازارهای خارجی اختصاص نمی‌دهند و کمتر بنگاهی وجود دارد که اطلاعات کاملی از بازارهای خارجی از نظر ظرفیت بازار و سهم بنگاه خود داشته باشد.

۱-۱-۴ این کشورها در مقابل توصیه‌های کارشناسان داخلی در زمینه اقتصاد و کارشناسان و سازمان‌های جهانی (مالی و تجاری بین‌المللی) گوش شنوایی داشته‌اند.

۱-۱-۵- کشورهای مزبور غالباً رشد خود را با سیاست جایگزینی واردات آغاز کرده و سپس به سیاست توسعه صادرات رو آورده‌اند.

۱-۱-۶- تغییرات ساختاری این کشورها مسیری را در جهت بهبود اقتصاد طی کرده و به آنها امکان داده است که فضای لازم را برای توسعه آماده سازند. در جهت فضا سازی، توجه خاص به آموزش نیروی انسانی، تحقیق و توسعه نموده‌اند که چرخش‌های مناسبی را برای سیاست‌های راهبردی آنها به وجود آورده و به علمی کردن رفتارها، برنامه‌ها، ثبات در تصمیمات، اصلاح نگرش‌ها منجر شده است.

۱-۱-۷- کشورهای مورد مطالعه، بستر مناسبی جهت جذب سرمایه‌های خارجی و به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی

بوده‌اند. این بستر از دو سو ایجاد و تقویت شده است:

اول: حمایت غرب از این کشورها که هم سرمایه‌گذاران خود را ترغیب به سرمایه‌گذاری در آن کشورها نموده‌اند و هم سازمان‌های مالی جهانی را واداشته‌اند تا به کشورهای بزرگ کمک کنند.

دوم: پذیرایی مناسب این میزبانان در زمینه عرضه نیروی کار ارزان قیمت، تسهیلات مالی، بخشودگی‌های مالیاتی، ایجاد زیربنای مناسب مانند خدمات بندری، شبکه حمل و نقل، شبکه‌های بیمه و بانکی مناسب (ایجاد شعبه‌های بانک‌های خارجی در کشور)، انگیزه‌های قابل توجهی را فراهم کرده است.

۱-۱-۸- غالب این کشورها، ابتدا کشورهای با اقتصاد کشاورزی بوده‌اند و در نخستین مرحله رشد، حمایت از بخش کشاورزی و اقتصادی کردن این فعالیت را با ایجاد صنایع وابسته به آن به‌عنوان محورهای اصلی توسعه خود انتخاب کرده‌اند، ولی با گذشت زمان، سهم بخش کشاورزی را به سود سهم صنایع، به‌ویژه صنایع سنگین و یا صنایع مرتبط با انرژی (البته در کشورهای نفت‌خیز) و صنایع الکترونیک تقلیل داده‌اند.

۱-۱-۹- سرمایه‌گذاری‌ها در ابتدا بیشتر حمایت شده، هدایت شده و یا رأساً توسط دولت‌ها صورت گرفته و سپس به گسترش سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی تغییر جهت داده است.

در این کشورها - در مراحل بعدی - دخالت مستقیم دولت در امر تولید فقط منحصر به صنایعی شده است که به رغم مزیت نسبی به دلیل حجم کلان سرمایه‌گذاری فعالیت در آن از توان و عهده بخش خصوصی خارج بوده است.

۱-۱-۱۰- تشکل‌های کارگری در غالب این کشورها، لاقط در ابتدای فرآیند رشد و سال‌های دهه اول و نیمه اول دهه دوم سه دهه اخیر غالباً ضعیف و فاقد قدرت چانه‌زنی و عموماً تحت سلطه و نفوذ دولت بوده‌اند. در کشورهایی که این نهادها قوی بوده‌اند، دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های مناسب توانسته‌اند این تشکل‌ها را به نوعی در خدمت توسعه و هدف‌های آن قرار دهند تا بتوانند بدون هرج و مرج و اغتشاش و زیاده‌خواهی، کار پیشرفت را به جلو ببرند. امروزه یکی از عواملی که برای بعضی از کشورها نگران‌کننده شده است، قدرت گرفتن تشکل‌های کارگری و سایر نهادهای سیاسی و انتظارات آنها چه در زمینه افزایش مزد و یا مشارکت در تصمیمات می‌باشد که به تدریج مزیت ارزان بودن مزد را از این کشورها سلب می‌کند.

### ○ تجارت ایران به شدت تحت تأثیر درآمد نفت و نوسانات آن قرار دارد. ساختار صادراتی ایران طی سه دهه ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ گویای جایگاه پراهمیت مواد سوختی بوده و نسبت آن به کل درآمد ارزی در سه دهه مزبور به ترتیب ۸۹، ۹۳ و ۹۳ درصد بوده است.

آمار نشان می‌دهد که مهاجرت به این دسته از کشورها از سوی کشورهای همجوار آغاز شده است که البته در آینده

نه‌چندان دور مسایل خاص خود را به کشورها تحویل خواهد نمود.

۱-۱-۱۱- کلیه این ممالک، اقدام به برنامه‌ریزی برای آینده نموده‌اند و در اجرا نیز از نظام برنامه‌های تدوین شده تبعیت می‌کنند. دوره برنامه‌ها عمدتاً پنج‌ساله است و خطوط کلی برنامه‌ها در طول سال‌های اجرا تقریباً رعایت شده است. گرچه در بعضی از آنها مانند تایلند و اندونزی و مالزی دستاورد برنامه‌ها با پیش‌بینی‌ها تطابق ندارد، ولی به هر حال به نتایج در زمینه رشد اقتصادی دست یافته‌اند که قابل توجه و چشمگیر بوده است.

۱-۱-۱۲- وجود فرهنگی قوی - لاقبل در کشورهای آسیایی - مسئولیت‌پذیری، مقبولیت کار به‌عنوان یک ارزش، وابستگی عاطفی به میهن و نظام و جریان یا متن یک ناسیونالیسم پر قدرت، حرکت و قیام برای جبران سرخوردگی‌های سیاسی و اقتصادی (عقددهای ناشی از استعمار گذشته) و اثبات وجود، زمینه‌های مناسبی را برای دولت‌ها از نظر اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی فراهم کرده است.

۱-۱-۱۳- و بالاخره لیبرالیزه کردن و دموکراتیزه کردن فضای سیاسی در دهه سوم، دوران رشد مشارکت مردم را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی، فزونی بخشیده و دولت‌ها اکنون با بهره‌مندی از تجربه، دانش و توانایی‌های مردم خویش در انتخاب بهترین راهکارها سود می‌جویند.

○ طی دوره ۹۵-۱۹۸۹ از کل حجم تجارت جهانی به‌طور متوسط قریب ۶۹ درصد متعلق به کشورهای صنعتی و ۲۱ درصد مربوط به کشورهای درحال توسعه بوده است. در این میان سهم ایران در تجارت جهانی با نفت فقط ۴/۰ درصد و بدون نفت حدود ۶/۰ درصد بوده است.

## ۱-۲- اصول مشترک:

۱-۲-۱- همه این کشورها در سیاست‌گذاری اقتصادی، سیاست اقتصاد باز را در نهایت پذیرفته‌اند. گرچه در بعضی از کشورها موانع غیر تعرفه‌ای هنوز برای حمایت از صنایع داخلی وجود دارد، ولی در مجموع به این اعتقاد رسیده‌اند که لازمه

حضور در بازارهای جهانی، رقابت‌آمیز کردن تولیدات داخلی است. چند اقدام مشخص در این باره به عمل آمده است:

- تجدیدنظر در سیاست‌های حمایتی،

- تعدیل در نرخ ارز و ایجاد قابلیت تغییر در پول ملی

- لغو نظام قیمت‌گذاری

- کاهش پرداخت یارانه‌های مستقیم به جامعه همراه با

حمایت از گروه‌های کم‌درآمد.

۱-۲-۲- قانون‌گذاری در سمت و سو و جهت‌های زیر سیر

کرده است:

- ساده کردن قوانین و قابل‌فهم بودن آنها و ثبات در

قوانین،

- کاهش اقتدار بخش دولتی با تصویب قوانینی در زمینه

خصوصی‌سازی،

- اشاعه فرهنگ احترام به قوانین و مقررات،

- یکسان سازی مقررات حاکم بر اقتصاد دولتی و

خصوصی،

- کاهش موانع و بازدارنده‌ها در قوانین.

۱-۲-۳- توسعه و تقویت سرمایه‌گذاری از طرق زیر:

- سرمایه‌گذاری در زمینه‌های زیربنایی،

- حذف مراحل پیچیده و موانع بوروکراتیک و تشریفات

سرمایه‌گذاری خارجی و اعطای امتیاز به سرمایه‌گذاران

خارجی تا صددرصد سرمایه‌گذاری،

- سرمایه‌گذاری در تربیت مدیران و کادرهای میانی،

- تأمین مالی و سرمایه برای تحقیق و توسعه،

- سرمایه‌گذاری در زمینه جمع‌آوری اطلاعات،

- اعطای معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری.

۱-۲-۴- ساختار دولت: این ساختار در جهت کاهش

تمرکزگرایی و بازسازی بخش دولتی و کاستن از نقش دولت

سیر کرده و اقدامات زیر را شامل شده است:

- حذف تشکیلات غیرضرور و هم‌عرض،

- کاهش نقش دولت در امور اجرایی و تأکید بر نقش اعمال

حاکمیت،

- کاهش کنترل‌ها و نظارت‌های حاکم بر اقتصاد،

- اعمال اقتدار دولت در پیشرفت برنامه‌های توسعه

- تثبیت تصمیمات، مقررات و سیاست‌ها در میان‌مدت و

حتی در بلندمدت.

۱-۲-۵- خصوصی‌سازی: تمامی این کشورها به امر

خصوصی‌سازی تأکید گذاشته‌اند و تقویت بخش خصوصی را





در برنامه‌های خود منظور کرده‌اند. در جهت خصوصی‌سازی اقدامات زیر انجام گرفته است:

- اصلاح وضعیت شرکت‌های دولتی و اقتصادی کردن آنها
- با حذف کمک‌های دولتی،
- فروش و واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی با تسهیلات و امتیازات خاص،

○ متوسط سهم صادرات کالاهای صنعتی ایران طی سه دهه گذشته چیزی حدود ۸ درصد کل صادرات غیرنفتی بوده و می‌توان نتیجه گرفت که وجود چنین ساختاری ناشی از اتکای زیاد به درآمدهای نفتی و کم‌توجهی به صدور کالاهای دیگر است.

- تجدیدنظر در مأموریت‌ها و هدف‌های شرکت‌های دولتی و منع شرکت‌ها از ورود به فعالیت‌های غیرمولد،
- خودداری از ایجاد سازمان‌های عمومی که به نوعی از حمایت‌های بی‌دلیل دولت بهره‌مند شوند،
- جلوگیری از دوباره‌کاری و تداخل سازمان‌ها و شرکت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها،

- اعطای تمام یا بخشی از ارز حاصل از صادرات به صادرکننده
- قابل قبول شمردن هزینه‌های مربوط به بازاریابی، تبلیغاتی، بسته‌بندی و مطالعات بازاریابی به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی،
- معافیت‌های گمرکی برای ورود مواد اولیه موردنیاز برای صادرات.
- ۸-۲-۱- ایجاد مناطق آزاد تجاری.
- ۹-۲-۱- ایجاد و استفاده از زمین‌های مساعد فرهنگی (به‌ویژه در کشورهای آسیای جنوب شرقی).
- ۱۰-۲-۱- توسعه صادرات از طریق:
- ایجاد و تقویت شرکت‌های بزرگ صادراتی،
- اعطای معافیت‌های مالیاتی به درآمدهای صادراتی،
- تأکید بر استاندارد کردن کالاهای صادراتی (بیشتر از طریق تشویق)،
- پرداخت جایزه صادرات با انگیزه کافی،
- تأمین اعتبارات مالی برای صادرکنندگان،
- اعطای تضمین‌های مالی به صادرکنندگان برای جبران

- واگذاری خدمات بانکی و بیمه‌ای به بخش خصوصی.
- ۶-۲-۱- تقویت بازار و سرمایه: این سیاست که در واقع مکمل سیاست تشویق سرمایه‌گذاری است، دسترسی کشورها را به منابع مالی - داخلی و خارجی - امکان‌پذیر ساخته است و روش‌های زیر برای تحقق این هدف به‌کار برده شده است.
- متنوع کردن اوراق بهادار بنگاه‌های اقتصادی،
- توسعه بازار سرمایه در مناطق جغرافیایی کشور،
- کمک به ایجاد سازمان‌ها و مؤسسات مالی اعتباری مانند مؤسسه‌های اعتباری، صندوق‌های بازنشستگی و بانک‌های تخصصی،
- اعطای معافیت مالیاتی و یا تسهیلات لازم در نقل و انتقال سهام.
- ۷-۲-۱- استفاده از اهرم مالیاتی، پولی و ارزی مانند:
- معافیت مالیاتی درآمدهای صنعتی،
- معافیت مالیاتی سرمایه‌گذاری‌های جدید با تأکید در بعضی از کشورها در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارجی (مانند تایلند)

خسارت‌های احتمالی،

- ایجاد بازارهای مرزی و مناطق خاص،

- کمک به بسته‌بندی کالاها.

۱۱-۲-۱- حضور فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی

از راه:

- عضویت فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و

منطقه‌ای،

- وسعت بخشیدن به ارتباطات سیاسی فارغ از

تقسیم‌بندی‌های سیاسی،

- هوشمند بودن و درک موقعیت‌های جهانی و استفاده از

فرصت‌ها،

### ○ ارقام اندک صادرات صنعتی گواه این

است که بنگاه‌های اقتصادی کشور قادر به

بازارسازی برای صدور فرآورده‌های خود

نیستند و مجموعه سیاست‌ها و

خط‌مشی‌های درون‌گرا و عملکرد اقتصاد

ملی را باید عامل اصلی بی‌توجهی به

صادرات غیرنفتی دانست.

- پیوستن به سازمان تجارت جهانی.

۱۲-۲-۱- تقویت مدیریت کارآمد اقتصادی در زمینه تولید،

توزیع و صادرات از طریق:

- تقویت مدیریت بنگاه‌ها در تنظیم چرخه تولید، اداره

نیروی انسانی و تصمیم‌گیری‌های مالی،

- تغییر بافت تولید،

- توسعه علوم و فنون جدید در مدیریت بنگاه‌ها برای

گزینش هدف‌های مدیریتی مناسب با شرایط،

- هدایت مصرف داخلی با هدف گسترش صادرات،

- هماهنگی و موزونی در تولید، مصرف و صادرات.

### ۲- تجارب بنگاه‌های اقتصادی داخلی و

#### خارجی در صادرات

در این بررسی، تجربه ۱۲ بنگاه داخلی و دو تجربه خارجی

مورد تحلیل قرار گرفته که نتایج به‌دست آمده از مطالعات - چه

عوامل مؤثر در کسب موفقیت و چه کاستی‌ها - به شرح زیر

تبیین شده است:

۲-۱- مدیران بنگاه‌های داخلی، علی‌رغم مشکلات موجود،

بر این اعتقاد بودند که به‌هر حال در این فضا نیز می‌توان فعالیت کرد. در واقع این دسته از مدیران دارای نگرشی مثبت نسبت به فعالیت و شرایط حاکم بودند.

۲-۲- نقش تجربه در مدیریت این بنگاه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و غالب بنگاه‌ها از این سرمایه (سرمایه تجربی) برای ورود به بازارهای خارجی سود جستند.

۲-۳- توجه خاص به امر آموزش و ارتقاء سطح مهارت دارای اولویت ویژه بوده است. میزان بی‌سوادی به پایین‌ترین درجه ممکن کاهش یافته و بعضی از آنها (۷۰ درصدشان) در مراحل اجرای یک سلسله برنامه‌های آموزشی قرار داشته‌اند.

۲-۴- بنگاه‌های مورد مطالعه، سعی زیادی در زمینه تحقیق و پژوهش به‌عمل آورده‌اند و بخشی از منابع خود را صرف این دسته از فعالیت‌ها نموده‌اند.

۲-۵- تمامی شرکت‌های موفق صادراتی دارای ارزآوری مثبت بوده‌اند. البته ارزآوری مستقیم و ناخالص آنها در مطالعه موردنظر بوده است.

۲-۶- تمامی شرکت‌ها در پنج سال گذشته اقدام به سرمایه‌گذاری‌های جدید کرده‌اند.

۲-۷- همه بنگاه‌ها معتقد بودند که بین صادرات و بهای ارز - وجوهی که در مقابل واگذاری ارز صادرات به بانک‌ها پرداخت می‌شود - ارتباط مستقیم وجود دارد و نرخ ارز صادراتی بایستی با توجه به تغییرات قیمت‌ها انعطاف‌پذیر گردد.

۲-۸- در پنج سال گذشته بالاترین صادرات در سال ۱۳۷۳ اتفاق افتاده است به‌جز یکی از بنگاه‌ها که میزان صادرات آن در سال‌های بعد کاهش چندانی نیافته است.

۲-۹- بین بنگاه‌های ایرانی، کمتر بنگاهی وجود داشته که اطلاعات کاملی از بازارهای خارجی از نظر ظرفیت بازار و سهم بنگاه خود داشته باشد. در واقع بنگاه‌ها منابع مالی خاصی را برای این‌گونه مطالعات تخصیص نمی‌دهند.

۲-۱۰- بعضی از بنگاه‌ها دارای یک برنامه و دید بلندمدت از نظر تولید و صادرات بوده‌اند. این بنگاه‌ها لااقل ۵ یا ۱۰ سال آینده را برای توسعه خود طراحی کرده‌اند.

۲-۱۱- تحریم اقتصادی آمریکا، به بعضی از بنگاه‌ها و صادرات آنها لطمه وارد ساخته است.

۲-۱۲- بنگاه‌ها غالباً وابسته به یک یا دو بازار معین - به اضافه بازارهای متزلزل آسیای میانه - هستند و در جهت بسط و توسعه بازارها، اقدامات مؤثری صورت نگرفته است.

بوده است.

۳-۷- صادرات ایران از لحاظ شاخص تمرکز از کمترین انعطاف برخوردار است و این شاخص در سال ۱۹۹۲ معادل ۰/۸۸ بوده است و تنها دو کشور نیجریه و آنگولا به ترتیب با شاخص تمرکز ۰/۹۲۴ و ۰/۹۱۲ وضع بدتری نسبت به ایران داشته‌اند. مطالعات آنکتاب نشان می‌دهد که کشورهای صادرکننده نفت، نامناسب‌ترین شاخص تمرکز صادراتی را دارند.

○ ایجاد بنادر و پایانه‌های صادراتی، اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب که مشوق صادرات باشد، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی صادراتی و تقویت ظرفیت بازاریابی از جمله خط‌مشی‌های توسعه صادرات صنعتی است.

۳-۸- رشد واردات ایران در سال ۱۹۸۹ نسبت به سال قبل، ۵۷ درصد و در سال ۱۹۹۴ نسبت به سال قبل، معادل ۳۰ درصد بوده است. مقایسه این دو رقم نشان از تأثیرپذیری شدید اقتصاد ملی از تجارت خارجی دارد.

۳-۹- متوسط سهم صادرات کالای صنعتی ایران طی سه دهه گذشته رقمی در حدود ۴ درصد کل صادرات غیرنفتی بوده و می‌توان نتیجه گرفت که وجود چنین ساختاری ناشی از اتکای زیاد به درآمد نفت و کم‌توجهی به صادرات کالاهای دیگر است.

۳-۱۰- قصور در گسترش صادرات غیرنفتی را نمی‌توان ناشی از کمبود تقاضای بازار جهانی دانست و شاید به این علت است که اقتصاد ملی کالایی را برای عرضه به بازار جهانی در اختیار ندارد.

علی‌رغم آنکه طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۱ مقادیر ارزش نسبتاً زیادی به صنایع تخصیص داده شده و بخش صنعت در بدترین شرایط می‌بایست سالانه حدود ۱/۵ میلیارد دلار صادرات با صرفه‌جویی ارزی داشته باشد، ولی چنین توانایی در بخش صنعت مشاهده نمی‌شود و در نتیجه ارتباط بین سرمایه‌گذاری و توسعه صادرات را نمی‌توان مشاهده کرد.

ارقام اندک صادرات صنعتی گواه این است که بنگاه‌ها قادر به بازاریابی برای صادرات فرآورده‌های خود نیستند و مجموعه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های درون‌گرا و عملکرد اقتصاد

۱۳-۲- روش بنگاه‌ها در بازاریابی همگن نیست. بعضی اقدام به ایجاد شعبه‌های بازرگانی در کشورهای خارج نموده و بعضی دیگر نمایندگی داده و یا با ارسال محموله به بازارها اکتفا نمودند. دو شرکت از مجموع شرکت‌ها اقدام به تشکیل شرکت تجاری بین‌المللی نمود و صادرات خود را از طریق آنها انجام می‌دهند که هر دو از موفقیت بیشتری برخوردارند.

۱۴-۲- اکثریت شرکت‌ها به صورت شرکت‌های سهامی عام درآمد دارند و از این طریق بخشی از منابع مالی موردنیاز خود را از بازارهای سرمایه کسب می‌کنند.

۱۵-۲- شرکت‌های بیشتر موفق، آن دسته از شرکت‌هایی هستند که مدیریت بادوام و ثابت داشته‌اند.

۱۶-۲- توزیع اختیارات و مسؤلیت‌ها یکی از ویژگی‌های شرکت‌های موفق بوده است.

### ۳- ظرفیت بازارهای جهانی برای جذب صادرات ایران

۳-۱- حجم صادرات جهان در سال ۱۹۹۵ معادل ۴۹۶۰ میلیارد دلار و واردات آن معادل ۵۱۰۰ میلیارد دلار بوده است.

۳-۲- در طی دوره ۹۵ ۱۹۸۹ از کل حجم تجارت جهانی به‌طور متوسط قریب ۶۹ درصد متعلق به کشورهای صنعتی و ۳۱ درصد مربوط به کشورهای درحال توسعه بوده است. در همین مدت کشورهای نفت‌خیز ۴/۳ درصد از تجارت جهان را در اختیار داشته‌اند.

۳-۳- سهم ایران در تجارت جهانی با نفت فقط ۰/۴ درصد و بدون نفت حدود ۰/۰۶ درصد بوده است.

۳-۴- تجارت ایران به‌شدت تحت تأثیر درآمد نفت و نوسانات آن قرار دارد. ساختار صادراتی ایران طی سه دهه ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ گویای جایگاه پراهمیت مواد سوختی بوده و نسبت آن به کل درآمد ارزی در سه دهه مزبور به ترتیب ۸۹، ۹۲ و ۹۳ درصد بوده است.

۳-۵- از لحاظ ترکیب، در دوره ۹۵ ۱۹۸۹ به‌طور متوسط ۶۱/۵ درصد تجارت خارجی ایران با کشورهای صنعتی صورت گرفته و بازارهای اروپایی حدود ۴۰ درصد بازار ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

۳-۶- صادرات سرانه ایران در سال ۱۹۹۳ با نفت معادل ۲۶۵ دلار و بدون نفت ۲۹ دلار بوده است و حال آنکه متوسط صادرات سرانه جهان در همین سال ۶۶۶/۴ دلار بوده است و متوسط صادرات سرانه کشورهای توسعه‌یافته ۱۲۰۹ دلار

ملی را باید عامل اصلی بی‌توجهی به صادرات غیرنفتی دانست.

## پ) چشم‌انداز بلندمدت اقتصاد و صنعت کشور

### ۱- چشم‌انداز بلندمدت اقتصاد

برای بررسی تصویر درازمدت اقتصاد کشور از الگوهای استفاده شده است که در آن تغییرات فنی قابل‌شناسایی و ارزیابی باشد. در این الگوها فرض می‌شود که روند آینده با روال حرکت گذشته تفاوت دارد و اقتصاد کشور به لزوم برنامه‌هایی را برای ایجاد تحرک در اقتصاد ملی طراحی و پی‌گیری می‌کند.

تحقیق کنونی با ایجاد سناریوهایی در طیف بسیار خوش‌بینانه تا بدبینانه، تصویرهایی از وضعیت آینده اقتصاد را طراحی می‌کند.

دوره زمانی بررسی، دو مقطع منتهی به سال ۱۳۸۵ و سال ۱۴۰۰ را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های تحقیق نمی‌توان انتظار داشت که برای دوره بسیار طولانی تا سال ۱۴۰۰ رندهای سریع صادرات امکان‌پذیر باشد. مطلوب‌ترین حالت آن است که چند برنامه اقتصادی پنج تا ده ساله تدوین شود و در هر مرحله اقتصاد بر پایه وضعیت برنامه پیش از خود حرکت کند.

برای دوره زمانی منتهی به سال ۱۳۸۵، در مجموع سه سناریو در نظر گرفته شده است که شش سناریوی آن بر انواع مختلف میانه‌رو، یک سناریوی آن بدبینانه و دو سناریوی دیگر با درجات مختلف، خوش‌بینانه است.

برای دوره منتهی به سال ۱۴۰۰ یک سناریوی بدبینانه، یک سناریوی میانه و دو سناریوی خوش‌بینانه که قابلیت دوام خود را از دست می‌دهند در نظر گرفته شده است، زیرا افزایش صادرات صنعتی به میزانی می‌رسد که به‌ناچار، رشد کل صادرات کشور را از حدود مشخص شده در الگو خارج می‌سازد.

از لحاظ ساختاری، تحولات صنعتی کشور چندین حرکت مختلف را به‌وجود می‌آورد که به شرح زیر قابل خلاصه کردن است.

اول: با افزایش تولید بخش صنعت، در مجموع، پیوند بین زیربخش‌های صنعتی محکم‌تر می‌شود.

○ در سال ۱۳۷۳ نسبت شاغلان صنعتی ایران در بخش رسمی اقتصاد حدود ۱۲ درصد می‌باشد. این نسبت پایین نشان از وجود مشکلات و موانع ساختاری در جامعه اقتصاد ایران دارد که شناخت درست آنها، راه‌چاره‌ای برای توسعه خواهد بود.

دوم: بخش کشاورزی برای تأمین نیازهای بخش صنعت و فعال شدن در اقتصاد ملی به تدریج پیوند خود را با سایر فعالیت‌های اقتصادی محکم‌تر می‌سازد.

سوم: فعالیت‌های وابسته به دو بخش صنعت و کشاورزی به تدریج در اقتصاد ملی رواج می‌یابد.

چهارم: صادرات صنعتی رشد می‌کند.

پنجم: صادرات کشاورزی در کنار فعالیت‌های صنعتی افزایش می‌یابد ولی استفاده از محصولات کشاورزی برای

توسعه فعالیت‌های صنعتی، انتخاب ارجح شمرده می‌شود.

ششم: به تدریج نیاز به واردات مصرفی کاهش می‌یابد.

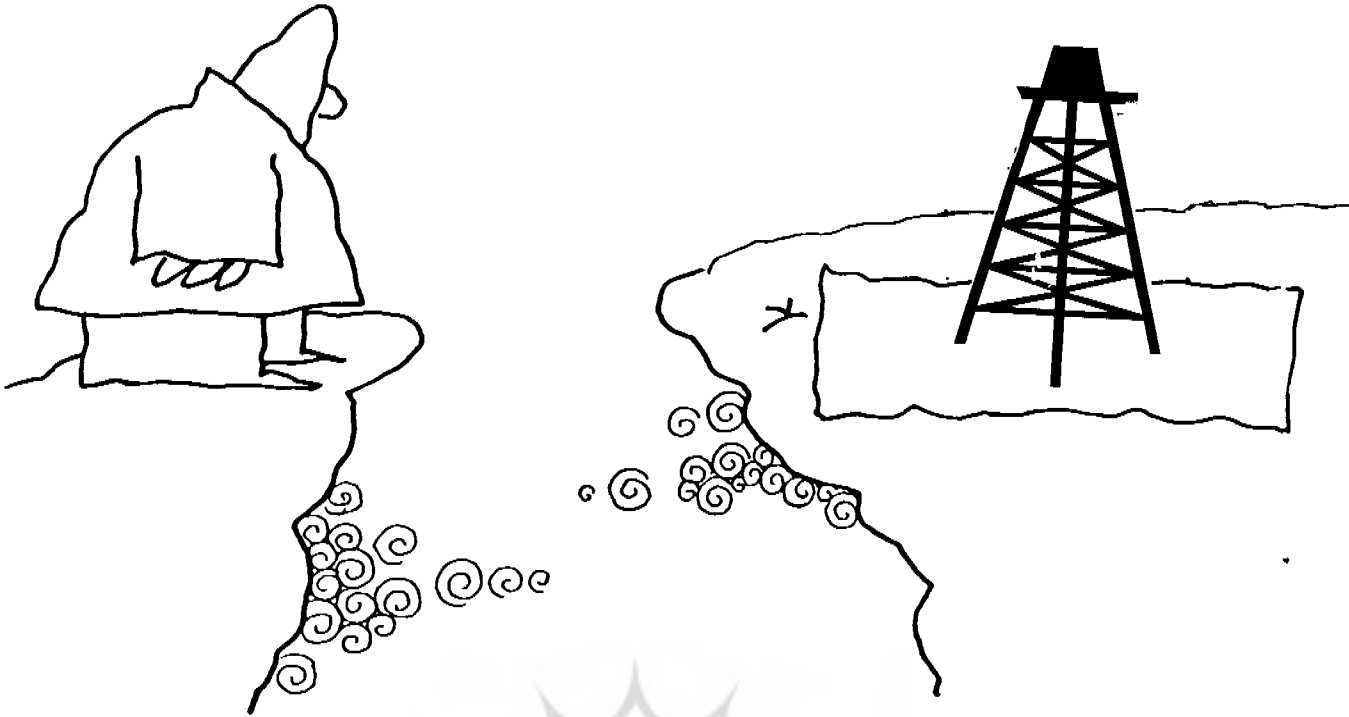
### ۲- چشم‌انداز توسعه صنعتی ایران

۱- چشم‌انداز توسعه صنعتی ایران منتهی به سال ۱۳۸۵

دو سناریوی «سقف» و «کف» برای توسعه صادرات صنعتی ایران در دوره منتهی به سال ۱۳۸۵ در نظر گرفته شده است.

سناریوی «سقف» وضعیت مطلوب‌تری را پیش‌بینی می‌کند، ضمن آنکه نیل بدان مستلزم تغییرات بیشتر و طی مراحل مشکل‌تری است، در حالی که سناریوی «کف» برخاسته از استمرار نیروها و سیاست‌های جاری در زمان انجام این پیش‌بینی‌هاست.

برای دستیابی به سناریوی سقف، رشد سالانه صادرات کل ۵/۴ درصد و صادرات صنعتی ۱۶/۵ درصد ضرورت دارد که در این صورت سهم صادرات صنعتی از کل صادرات از حدود ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۳۶/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ خواهد رسید. در این سناریو رشد سالانه سرمایه‌گذاری ۵/۶ درصد و ارزش افزوده صنعت ۹/۷ درصد پیش‌بینی شده است. بر پایه این سناریو، رشد سرمایه‌گذاری به ۵/۶ درصد در سال خواهد رسید که با ظرفیت‌سازی و تأمین نیازهای رشد صنعتی، تراز تجاری منفی نخواهد شد و در حد صفر باقی



می‌ماند.

افزایش می‌یابد و حال آنکه واردات، رشد سالانه ۱۸ درصدی را خواهد داشت و تراز تجاری با عدم تعادل مواجه می‌شود. رشد هزینه‌های خصوصی (رقم اندک ۲/۸ درصد در سال) و رشد هزینه‌های دولتی (۳/۶ درصد در سال) در صورتی کافی خواهد بود که خدمات بخش دولتی با کارآیی قابل توجهی عرضه گردد.

سناریوی ادامه برنامه دوم به دلیل تأکید بر سرمایه‌گذاری زیربنایی موجب رشد سرمایه‌گذاری در تولید به میزان ۷/۸ درصد در سال خواهد شد. بدون آنکه ظرفیت‌های تولید کشور به‌ویژه تولید صنعتی را در حد قابل قبولی توسعه دهد.

توسعه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، اصلاح ستاد نظام صنعتی (ساختار دولت)، اصلاح قوانین و مقررات کلیدی مرتبط با صنعت (قوانین مالیاتی، کار، جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و...) اصلاح سیاست‌های تجاری، ارزی، ایجاد فضای سیاسی باثبات و پایدار، بهبود کیفیت و اصلاح مصارف خصوصی. افزایش بهره‌وری نیروی کار و کارآیی خدمات دولتی، افزایش سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی، استفاده مطلوب از امکانات و ظرفیت‌های موجود، بی‌اثر نمودن گرایش‌های ضدصادراتی از پیش‌شرط‌های موفقیت سناریوی فوق است.

در صورت توجه به ضرورت‌ها و پیش‌شرط‌های فوق، صادرات سرانه صنعتی از ۲۰ دلار فعلی به ۱۰۵ دلار در سال ۱۳۸۵ می‌رسد و ارزش صادرات از ۱/۲ میلیارد دلار به ۷/۳ میلیارد دلار خواهد رسید.

سناریوی کف در واقع تداوم برنامه دوم توسعه است. مفروضات این سناریو بر اساس سیاست‌ها و اولویت‌های این برنامه انتخاب شده‌اند. طبق این سناریو، اقتصاد ایران به‌گونه‌ای متحول نخواهد شد که از نظر تجارت خارجی، زیست‌مند و پایدار بماند. کل صادرات با رشد اندک ۴/۵ درصد

○ **ایجاد و گسترش نظام رقابتی داخلی در تولید صنعتی، استفاده مؤثر از نهادها و شوراهای صادراتی، ایجاد پایگاه اطلاعات دانشمندان و کارشناسان ایرانی ساکن ایران و خارج از کشور و نیز گسترش آموزش‌های تجارت، از دیگر خط‌مشی‌های توسعه صادرات صنعتی محسوب می‌شود.**

○ از ۱۲۰ میلیارد دلار درآمد ارزی دولت در برنامه اول توسعه، نزدیک به ۶۸ میلیارد دلار آن به طور مستقیم از درآمد نفت و بخشی دیگر به طور غیرمستقیم متأثر از این درآمد بوده است.

سهم صادرات - طبق این سناریو - به ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید که ۵۶ درصد آن صادرات صنعتی است. تراز تجاری مثبت می شود و خالص صادرات بدون نفت ۲ درصد افزایش خواهد داشت. سهم بخش صنعت در اقتصاد کشور به ۲۸ درصد می رسد و ارزش افزوده بخش به طور متوسط رشد سالانه ای معادل ۹/۷ درصد خواهد داشت و ارزش صادرات صنعتی به ۲۶ میلیارد دلار خواهد رسید و صادرات سرانه به ۴۱۵ دلار می رسد که در مقایسه با صادرات سرانه تایوان (۴۴۲۳ دلار)، سوییس و هلند (۱۰۰۰۰ دلار) و یا کره (۲۲۸۰ دلار) در حال حاضر باز هم ناچیز خواهد بود. تحقق این سناریو در بخش صنعت مستلزم اتخاذ استراتژی صنعتی مؤثر و پویایی است که در ضمن برنامه ریزی استراتژیک در بلندمدت و میان مدت با قاطعیت در حوزه های اقتصاد کلان، بخش صنعت و بخش بازرگانی خارجی به اجرا درآیند.

سناریوی محتمل بر پایه تداوم سیاست های برنامه دوم توسعه طراحی شده است.

بر پایه این سناریو، متوسط رشد سالانه صنعت ۷/۴ درصد و سرمایه گذاری ملی ۵/۲ درصد خواهد بود و سهم آن به ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید. رشد صادرات صنعتی سالانه به ۹/۵ درصد می رسد و صادرات سرانه صنعتی از ۲۰ دلار به ۱۵۵ دلار افزایش می یابد و ارزش آن به ۱۳/۵ میلیارد دلار خواهد رسید. بر اساس این چشم انداز، سهم صادرات صنعتی به ۳۳ درصد کل صادرات بالغ می گردد و اتکا به درآمد نفت همچنان پای برجا می ماند و بقیه ۶۷ درصد صادرات غیرنفتی را کالاهای سنتی و کشاورزی پوشش می دهد و از این نظر این سناریو از مطلوبیت اقتصاد امروز جهان برخوردار نیست.

### ۲۰۳- چشم انداز نیروی کار در فرآیند توسعه صنعتی

با توجه به جوانی جمعیت و بالا بودن نسبت بیکاری در کشور، بررسی نیروی کار در فرآیند توسعه صنعتی می تواند به حل مشکلات ناشی از عوامل فوق منتهی گردد.

بخش صنعت از رشد ناچیز ۳/۱ درصد در سال برخوردار می شود و سهم آن از ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی تجاوز نخواهد کرد. رشد صادرات صنعتی سالانه معادل ۹/۳ درصد خواهد بود که عمدتاً کالاهای سنتی صنعتی و فولاد و فرآورده های پتروشیمی است.

### ۲-۲- چشم انداز توسعه صنعتی ایران به دوره منتهی به سال ۱۴۰۰

افق ۱۴۰۰ سالی است که نوزادان امروز به سنین کار و ازدواج می رسند و جمعیت جوان امروز نیز در ۲۵ سال آینده حیات خواهند داشت. طی این دوره در زندگی بشر و شیوه تولید، تحولات شگرفی قابل پیش بینی است. پرجمعیت ترین کشورهای جهان یعنی چین و هند، به جرگه اقتصادهای رقابتی جهان پیوسته اند و حدود ۲۲۰ میلیون مسلمان کشورهای اندونزی و مالزی با دستاورد مثبت خویش مدتی است که به این جرگه ملحق شده اند.

در چنین چشم اندازی استراتژی های مرسوم و سنتی توسعه صنعتی سازگار نخواهد بود و گرایش های حمایتی و نگاه به درون در جهان تحت رژیم تجارت جهانی بسیار پرهزینه و شاید غیرممکن باشد و دیرآمدگان و خفتگان به سختی خواهند توانست جایگاهی برای صادرات صنعتی خود پیدا کنند.

درباره آینده ۲۵ ساله هر نوع پیش بینی احتمالاً خالی از اشکال نخواهد بود ولی بدون شک یک موضوع قابل پیش بینی است و آن فراگیر شدن آزادی و آزادسازی امور در جهان، در مناطق مختلف و در سطح کشورها است. در قلمرو صنعت نیز آنچه استمرار دارد انتقال منابع از صنایع کم رشد و یا کند رشد به صنایع سریع رشد است، به طوری که پویایی صنعتی کشورها به سرعت این انتقال بستگی پیدا خواهد کرد.

برای چشم انداز توسعه صنعتی ایران به دوره مورد بحث، دو سناریوی «سقف» و «محتمل» طراحی شده است.

سناریوی سقف بر این مبنا قرار دارد که اقتصاد ایران را به میانگین درآمد سرانه ۴۰۰۰ دلار نزدیک خواهد کرد. سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی دو برابر می شود تا وابستگی به نفت کاهش یابد و یا از میان برود. ضمن آنکه بخش دولتی بدون نیاز به گسترش، قادر به تأمین نیازهای خود و جامعه خواهد بود.

دارد. افزایش عظیم درآمد قابل مصرف و قدرت خرید، دسترسی روزافزون به آموزش و بهداشت، افزایش زمان فراغت و در واقع کل دستاوردهای کشورهای توسعه یافته در ۱۲۰ سال گذشته ناشی از رشد بهره‌وری است.

بنابراین بهره‌وری در سه زمینه: ستاد نظام صنعتی، واحدهای جنبی نظام صنعتی و واحدهای تولیدی باید ارتقاء یابد و استراتژی مبنی بر بهره‌وری مورد تأکید قرار گیرد. علاوه بر آن بایستی به افزایش مهارت و سطح آموزش نیروی کار، انجام تحقیق و توسعه، تضمین بهره‌وری و مدیریت مؤثر تکنولوژی‌ها و سیستم‌های جدید در سطح بنگاه‌ها، کاهش خطرات شغلی، اتخاذ روش‌های حصول به رشد و رونق اقتصادی که تقاضای کار را سرعت بخشد، بهره‌برداری از فرصت‌های جدید در سطح بین‌المللی، ایجاد چارچوبی برای بازار کار (بازارهای رسمی و غیررسمی)، انجام مذاکرات دسته‌جمعی، تنظیم سیاست کار و مهتمتر از همه ایجاد فضای مناسب برای تنظیم روابط کار از طریق بازنگری محتوایی قانون کار، توجه خاص مبذول گردد.

**۴-۲- چشم‌انداز تشکیل سرمایه در فرآیند توسعه صنعتی**  
در ایران طی ۳۰ سال گذشته نیاز به تشکیل سرمایه همواره بیشتر از عملکرد سرمایه‌گذاری بوده است، در حالی که از ظرفیت پس‌انداز ملی هم برای تأمین نیازهای تشکیل سرمایه، بهره‌برداری کامل نشده است. به علاوه سهم سرمایه‌گذاری صنعتی نیز ناچیز و بین ۵ تا ۱۲ درصد در نوسان بوده است. دسترسی تبعیض‌آمیز و مرجح بنگاه‌های دولتی به منابع مالی از عوامل دیگر کاهش سرمایه‌گذاری بوده و باید به تدریج - ولی با سرعت - جای خود را به یک سازوکار تخصیص منابع مبتنی بر ملاحظات اقتصادی در شرایط رقابتی بدهد.

پیش‌بینی آینده سرمایه‌گذاری در صنعت باید با در نظر گرفتن سه واقعیت، یعنی استهلاك ماشین‌آلات بخش صنعت - که به حدود ۵۰ درصد رسیده است - تکنولوژی به‌کار رفته و تکنولوژی برتر استوار گردد. برپایه سناریوهای توسعه صنعتی، در چارچوب سناریوی کف منتهی به سال ۱۳۸۵، میزان سرمایه‌گذاری صنعتی به ۱۸۹۰۰ میلیارد ریال و در چارچوب سقف به ۹۱۲۰۰ میلیارد ریال برآورد می‌گردد که به ترتیب رشد ارزش افزوده‌ای معادل ۳ و ۹/۷ درصد را موجب می‌گردند.

بر پایه دو سناریوی محتمل و سقف برای دوره مبتنی به

هر چند رشد اقتصادی، دستاوردی قابل توجه است، ولی امروزه روشن شده است که این رشد الزاماً به افزایش اشتغال نمی‌انجامد زیرا اقتصادهای زیادی شاهد «نشانگان رشد بدون اشتغال» بوده و امارهای اقتصادی کشورهای صنعتی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که حصول به رشد اقتصادی ملازم با رشد اشتغال نبوده است.

آخرین مطالعات صندوق بین‌المللی پول حاکی از کاهش مشاغل در بخش صنعت و افزایش اشتغال در بخش خدمات در کشورهای پیشرفته است که به مرحله فراصنعتی رسیده‌اند. به‌طور مثال طی سی سال گذشته نسبت تعداد مشاغل کارخانه‌ای به کل مشاغل در آمریکا از ۳۸ درصد به ۱۶ درصد تنزل یافته است.

از طرفی دیگر روند آزادسازی و رقابت بین‌المللی بین بنگاه‌ها و نیز ارتقاء کارآیی تکنولوژی‌های جدید و شیوه‌های نوین مدیریت، عوامل دیگر ریزش و کاهش چشمگیر نیروی کار و استقرار فرآیند «رشد بدون اشتغال» شده است ولی این چنین تحولی نیاز به زمان دارد و کشورهای در حال توسعه باید مراحل مختلفی را برای رسیدن به چنین فرآیندی طی کنند تا تحولی در زمینه جایگزینی صنایع، تکنولوژی برتر به جای صنایع کاربر اتفاق افتد و به تدریج شاغلین صنعتی به بخش خدمات منتقل شوند.

در سال ۱۳۷۳، نسبت شاغلان صنعتی ایران در بخش رسمی اقتصاد در حدود ۱۲ درصد می‌باشد. این نسبت پایین نشان از وجود مشکلات و موانع ساختاری در جامعه اقتصاد ایران دارد که شناخت درست آنها، راه چاره‌ای برای توسعه خواهد بود. قوانین و مقررات کار و از جمله مقررات مربوط به حداقل مزد، طبقه‌بندی مشاغل، محدودیت جابه‌جایی، موجب کاهش تحرک و کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه واحد کار شده و به‌عوض گسترش اشتغال به بیکاری دامن زده است.

حضور دولت به هنگام بروز اختلافات کارگری و آمادگی برای اداره کارخانه به هزینه کارفرما، جلوگیری از تعطیل واحدهای زیان‌ده و دیدگاه دولت‌سالاری به فقدان و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت منجر شده و نسبت اشتغال صنعتی کشور، با وجود برخورداری از منابع عظیم مادی و انسانی و فراهم بودن وسایل خرید دانش فنی، این چنین اندک و در سطح ۴۰ تا ۳۰ سال پیش کشورهای چینی و پاکستان باقی مانده است.

در زمینه بهبود کار، افزایش بهره‌وری نیز اهمیت حیاتی

سال ۱۴۰۰ میزان سرمایه‌گذاری به ترتیب به ۲۵۹۷۰۰ میلیارد ریال و ۴۹۷۷۰۰ میلیارد ریال با رشد سالانه‌ای به ترتیب ۱۳/۱ و ۱۵/۹ درصد خواهد بود.

○ یک بررسی نشان می‌دهد تمامی شرکت‌های موفق صادراتی دارای ارزآوری مثبت بوده‌اند که در این بررسی، ارزآوری مستقیم و ناخالص آنها مورد نظر بوده است.

در چارچوب سناریوهای پیش‌بینی شده و برای نیل به اهداف، در هر سناریو اعمال مجموعه سیاست‌های کاهش مالیات‌ها، آزادسازی بازار سرمایه، گسترش تأمین مالی سرمایه‌بنگاه‌های صنعتی از طریق انتشار عمومی سهام، ایجاد تسهیلات در مورد سرمایه‌گذاری دولتی و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، واگذاری کنترل و نظارت بر عملیات و مدیریت به خود بنگاه‌ها، کاهش کنترل‌های قیمتی، ایجاد شبکه‌ای از مناطق ویژه اقتصادی، تشویق صنایع پشتیبان و صنایع تولیدکننده قطعات تکنولوژی‌بر، ممانعت از تمرکز اقتصادی (ضد تراست)، اصلاح سازوکار تخصیص اعتبار و مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری، اتکاء تدریجی به سازوکار بازار، تشویق پسرانداز داخلی از طریق مشوق‌های مؤثر، جدایی بیشتر مالکیت از مدیریت، توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی در مورد سرمایه‌گذاری‌های مناسب در هر استان، تجدید ساختار نظام بانکی کشور پیشنهاد می‌گردد.

## ت) خط مشی‌ها و سیاست‌های پیشنهادی برای توسعه صادرات صنعتی ایران

### ۱- خط مشی‌ها و سیاست‌های درون‌بخشی:

۱-۱- توسعه صنایع وابسته به منابع در کلیه استان‌های کشور. این منابع دربرگیرنده محصولات زراعی، باغی، دامی، مرتعی، جنگلی، آبی و مواد کانی می‌باشد. در این زمینه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱-۱-۱- سیاست‌های توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی.

۱-۱-۱-۱- انجام مطالعات شناسایی استعدادها بالقوه مناطق.

۱-۱-۱-۲- ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی در مقیاس‌های کوچک، متوسط و بزرگ برای شست‌وشو، کنسروسازی، خشک کردن، تغییرات شیمیایی، بافت و تغییر دانه‌بندی، بافتن، بسته‌کاری و سرهم کردن.

۱-۱-۱-۳- ارائه خدمات مشورتی فنی - اقتصادی به متقاضیان سرمایه‌گذاری در کشت و صنعت به صورت طرح‌های آماده توسط بانک کشاورزی.

۱-۱-۱-۴- ارائه تسهیلات اعتباری به طرح‌های شرکت کشت و صنعت در کلیه شعب بانک تخصصی در استان‌ها.

۱-۱-۱-۵- توسعه محصولات غذایی دارای کیفیت بالاتر.

۱-۱-۱-۶- بازاریابی تهاجمی برای فرآورده‌های صنایع تبدیلی کشاورزی در سطح بین‌المللی با اعزام هیأت‌های صادراتی.

۱-۱-۱-۷- اعطای جایزه به بهترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان.

۱-۱-۱-۸- استرداد حقوق و عوارض گمرکی مواد و نهاده‌های واسطه‌ای وارداتی.

۱-۱-۱-۹- توسعه منابع انسانی صنایع تبدیلی کشاورزی در بخش خصوصی در زمینه‌های بهداشتی، بازاریابی، بیمه، کنترل کیفیت و امثال آن.

۱-۱-۲- سیاست‌های تولید صنایع شیمیایی.

۱-۱-۲-۱- اختصاص بخش فرایندهای از نفت خام صادراتی کشور به تولید فرآورده‌های داخلی.

۱-۱-۲-۲- احداث پالایشگاه نفت و گاز در نقاط ساحلی و مرزی کشور.

۱-۱-۲-۳- احداث پالایشگاه نفت و گاز در کشورهای دوردست.

۱-۱-۳- سیاست‌های توسعه صنایع کانی غیرفلزی.

۱-۱-۳-۱- احداث صنایع کانی غیرفلزی در نقاط ساحلی و مرزی کشور به ویژه مرزهای غربی و شرقی و شمال شرقی.

۱-۱-۳-۲- سیاست‌های توسعه صنایع فلزات اساسی.

۱-۱-۳-۳- احداث واحدهای جدید ذوب فلزات در مجاورت معادن و ذخایر کانی‌های فلزی.

۱-۱-۳-۴- ایجاد و گسترش پایانه‌های صادراتی فلزات سنگین در بنادر و نقاط مرزی.

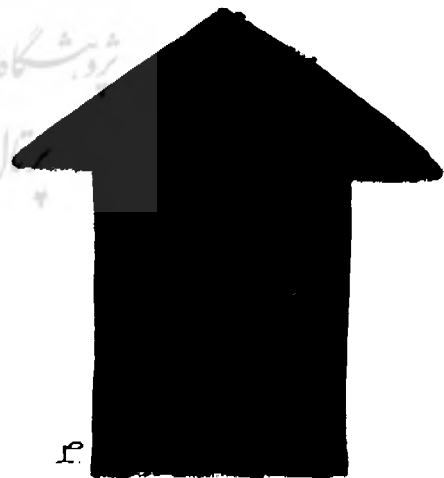
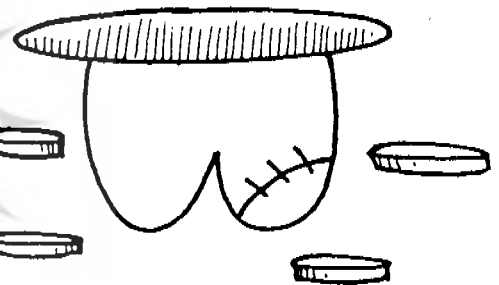
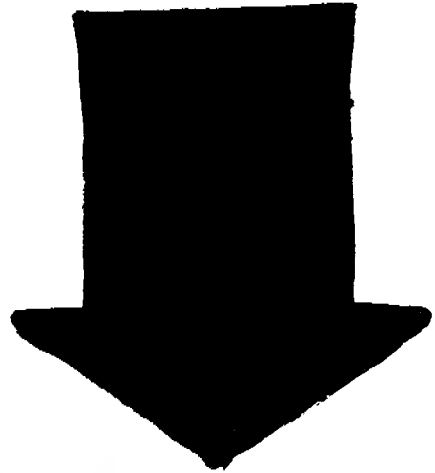
۱-۱-۳-۵- انجام مطالعات و بررسی‌های فنی در زمینه عملکردها و دستاوردهای تکنولوژیکی صنایع ذوب فلز.

۱-۱-۳-۶- افزایش سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه.



- ۵-۴-۱- توسعه منابع انسانی از طریق آموزش، کنترل کیفیت و استاندارد، بازاریابی، مذاکره بین‌المللی تجاری، بیمه‌های تجاری، آشنایی با مقررات و حقوق بین‌المللی و آموزش‌های ضد دامپینگ و شیوه‌های جدید حسابداری مانند «هزینه‌پذیری قیمت‌گذار» به جای «قیمت‌گذاری هزینه‌گرا».
- ۲-۱- توسعه صنایع کاربر.**
- ۱-۲-۱- سیاست‌های توسعه صنایع الکترونیکی.
- ۱-۲-۱-۱- جلب سرمایه‌گذاری خارجی برای احداث صنایع تولیدکننده قطعات و اجزاء محصولات نهایی الکترونیکی.
- ۱-۲-۱-۲- اعطای انگیزه‌های مالی و اعتباری به کارخانجات و مراکز پژوهشی خصوصی و دولتی.
- ۱-۲-۱-۳- توسعه منابع انسانی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی.
- ۱-۲-۱-۴- استرداد حقوق و عوارض گمرکی مواد وارداتی.
- ۱-۲-۲- سیاست‌های توسعه صنایع قطعات خودرو.
- ۱-۲-۲-۱- جلب سرمایه‌گذاری خارجی برای احداث صنایع تولیدکننده قطعات خودرو.
- ۱-۲-۲-۲- افزایش سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه.
- ۱-۲-۲-۳- انجام مطالعات و بررسی‌های فنی - اقتصادی در مورد عملکردها و دستاوردهای تکنولوژیکی.
- ۱-۲-۲-۴- ایجاد پایگاه اطلاعات فنی - اقتصادی.
- ۱-۲-۲-۵- توسعه منابع انسانی از طریق آموزش‌های مختلف به‌ویژه مقررات بین‌المللی سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مذاکرات تجاری.
- ۱-۲-۲-۶- سیاست‌های توسعه صنایع وسایل برقی خانگی.
- ۱-۲-۲-۱- ارتقاء کارآیی تولید.
- ۱-۲-۲-۲- نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات.
- ۱-۲-۲-۳- کاهش یا حذف واحدهای زاید، تغییر خط تولید.
- ۱-۲-۲-۴- حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی صنایع موجود.
- ۱-۲-۳-۵- تقسیم کار بین واحدهای صنعتی.
- ۱-۲-۳-۶- بومی کردن و جذب تکنولوژی‌های موجود در صنعت.
- ۱-۲-۳-۷- اصلاح و انسجام تشکیلات و سازماندهی واحدهای صنعتی.
- ۱-۲-۳-۸- جلب سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۱-۲-۳-۹- سرمایه‌گذاری مستمر در تحقیق و توسعه در
- صنایع وسایل برقی خانگی.
- ۱-۲-۳-۱- انجام مطالعات فنی و اقتصادی در مورد عملکردها و دستاوردهای تکنولوژیکی.
- ۱-۲-۳-۲- ایجاد پایگاه اطلاعات فنی - اقتصادی.
- ۱-۲-۳-۳- توسعه منابع انسانی از طریق آموزش‌های مختلف به‌ویژه مقررات بین‌المللی سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مذاکرات تجاری.
- ۱-۲-۳-۴- ایجاد پایگاه اطلاعات فنی - اقتصادی.
- ۱-۲-۳-۵- ارتقاء کارآیی تولید.
- ۱-۲-۳-۶- نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات.
- ۱-۲-۳-۷- کاهش یا حذف واحدهای زاید، تغییر خط تولید.
- ۱-۲-۳-۸- حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی صنایع موجود.
- ۱-۲-۳-۹- تقسیم کار بین واحدهای صنعتی.
- ۱-۲-۳-۱۰- بومی کردن و جذب تکنولوژی‌های موجود در صنعت.
- ۱-۲-۳-۱۱- اصلاح و انسجام تشکیلات و سازماندهی واحدهای صنعتی.
- ۱-۲-۳-۱۲- جلب سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۱-۲-۳-۱۳- سرمایه‌گذاری مستمر در تحقیق و توسعه در صنایع وسایل برقی خانگی.
- ۱-۲-۳-۱۴- انجام مطالعات فنی و اقتصادی در مورد عملکردها.
- ۱-۲-۳-۱۵- ایجاد پایگاه‌های فنی - اقتصادی.
- ۱-۲-۳-۱۶- تولید منابع انسانی.
- ۱-۲-۳-۱۷- استرداد حقوق و عوارض گمرکی مواد وارداتی.
- ۱-۲-۴- سیاست‌های توسعه صنایع قطعات پلاستیکی.
- ۱-۲-۴-۱- ارتقاء کارآیی تولید.
- ۱-۲-۴-۲- نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات صنایع موجود.
- ۱-۲-۴-۳- سازماندهی مجدد تولید.
- ۱-۲-۴-۴- حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولید.
- ۱-۲-۴-۵- تقسیم کار بین واحدهای صنعتی.
- ۱-۲-۴-۶- جلب سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۱-۲-۴-۷- ایجاد تشکلهای صنفی - تخصصی.
- ۱-۲-۴-۸- انجام سرمایه‌گذاری مستمر در امر تحقیق و توسعه.
- ۱-۲-۴-۹- ایجاد پایگاه اطلاعات فنی.
- ۱-۲-۴-۱۰- توسعه منابع انسانی از طریق آرایه آموزش‌های مختلف.
- ۱-۲-۴-۱۱- استرداد حقوق و عوارض گمرکی مواد وارداتی.
- ۱-۲-۵- سیاست‌های توسعه صنایع پوشاک.
- ۱-۲-۵-۱- نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات.
- ۱-۲-۵-۲- ایجاد تشکلهای صنفی - تخصصی.
- ۱-۲-۵-۳- ایجاد پایگاه اطلاعات فنی - اقتصادی.
- ۱-۲-۵-۴- توسعه منابع انسانی.
- ۳-۱- خط مشی‌های توسعه صادرات صنعتی.**
- ۱-۳-۱- اتخاذ سیاست‌های کلان با ثبات، دورنگر و هماهنگ.
- ۱-۳-۲- استمرار رشد سرمایه‌گذاری صنعتی.
- ۱-۳-۳- ایجاد زیربنای اساسی مؤید توسعه صادرات مانند بنادر و پایانه‌های صادراتی.
- ۱-۳-۴- اتخاذ روش‌های مشوق تجارت و سرمایه‌گذاری مانند استرداد حقوق و عوارض گمرکی، جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی.

○ برای توسعه صادرات صنعتی ایران، دو سناریوی «سقف» و «کف» در دوره منتهی به سال ۱۳۸۵ در نظر گرفته شده است. سناریوی «سقف» وضعیت مطلوب‌تری را پیش‌بینی می‌کند، ضمن آنکه نیل بدان مستلزم تغییرات بیشتر و طی مراحل مشکل‌تری است. در حالی که در سناریوی «کف» برخاسته از استمرار نیروها و سیاست‌های جاری در زمان انجام این پیش‌بینی‌ها است.



- ۵-۳-۱- اتخاذ سیاست ارزی مناسب و مشوق صادرات.
- ۶-۳-۱- ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی صادراتی.
- ۷-۳-۱- برقراری نظام مالیات بر ارزش افزوده.
- ۸-۳-۱- توسعه منابع انسانی.
- ۹-۳-۱- تقویت ظرفیت‌های بازاریابی.
- ۱۰-۳-۱- جلب مشارکت فعال صادرکنندگان در صدور گواهی کنترل کیفیت.
- ۱۱-۳-۱- سازگار نمودن نظام حقوقی و مقررات داخلی در امور تولید.
- ۱۲-۳-۱- بازنگری قوانین و مقررات مختلف از دیدگاه توسعه صادرات صنعتی.
- ۱۳-۳-۱- یک کاسه کردن مجموعه برداشت‌های قانونی از درآمد، فروش و یا سود واحدهای صنعتی.
- ۱۴-۳-۱- ایجاد و گسترش نظام رقابتی داخلی در تولید صنعتی.
- ۱۵-۳-۱- تثبیت سیاست‌های مالی، اعتباری، ارزی، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری، تکنولوژی، کارگری و...
- ۱۶-۳-۱- استفاده‌های مؤثر از نهادها و شوراهای صادراتی.
- ۱۷-۳-۱- ایجاد پایگاه اطلاعات دانشمندان و کارشناسان ایرانی ساکن ایران و خارج.
- ۱۸-۳-۱- گسترش آموزش‌های تجارت.

## ۲- خط مشی‌ها و سیاست‌های میان‌بخشی

- ۱-۲- ایجاد روابط مستمر و دوسویه بین صنایع و تعیین نقش آن در اقتصاد ملی.
- ۲-۲- اعطای معافیت مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در

از بخش‌های اقتصاد برای اعطای امتیاز.

۱-۳- ثبات سیاست‌گذاری از راه پیوند دادن سیاست‌ها به روابط علت و معلولی، مشخص کردن رابطه بین سیاست‌ها و معیارها، مشخص کردن حداقل دوره زمانی برای بقای سیاست‌ها و تعیین چارچوب برای سیاست‌گذاری.

## ۴- سیاست‌های ایجاد انگیزه در رفتارهای اقتصادی

۱-۴- سیاست معطوف به فن‌آوری با مشخص کردن معیارهای لازم، اعطای امتیاز به ارتقای فنی و حضور فعال دولت برای بالا بردن سطح دانش فنی.

۲-۴- سیاست‌های نیروی انسانی از طریق مشخص کردن شاخص کارایی، اعطای امتیاز به مجموعه‌هایی که از لحاظ شاخص انسانی در مرتبه بالاتری قرار دارد.

۳-۴- سیاست‌های انباشت سرمایه از راه اعطای تخفیف مالیاتی برای افزایش میزان انباشت سرمایه یا سرعت گرفتن شاخص آن.

۴-۴- ایجاد ارتباط بین بخش‌ها از راه بالا بردن رقم شاخص‌های ارتباطی پیشین و پسین بین آنها و شاخص درون صنعتی با تخفیف‌های مالیاتی.

۵-۴- سیاست‌های خالص ارزآوری با اعطای جایزه مشوق‌ها برای افزایش رقم خالص ارزآوری.

۶-۴- پیروی از استانداردهای جهانی با اعطای امتیاز در رعایت استانداردهای جهانی.

۷-۴- هوشمندسازی سیستم اقتصادی نسبت به اطلاعات.

۸-۴- ایجاد واحدهای اطلاع‌رسانی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی به صورت یک شبکه سراسری.

۹-۴- قابل قبول شمردن هزینه‌های اتصال واحدهای بخش خصوصی به شبکه‌های اطلاعاتی.

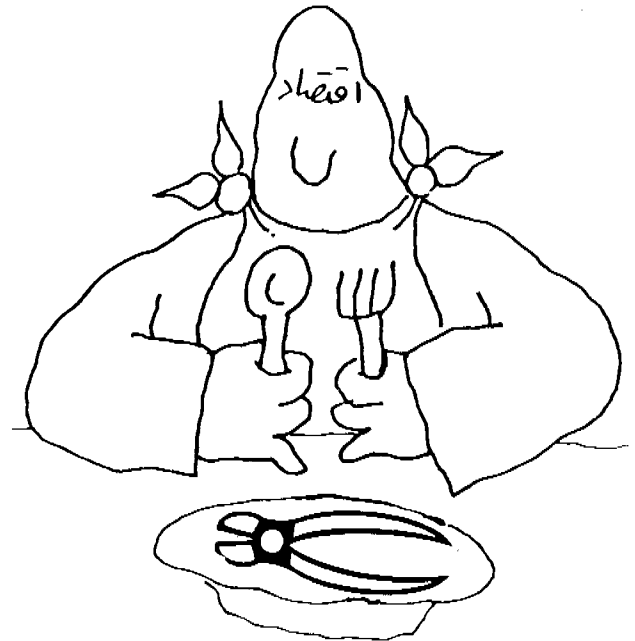
۱۰-۴- معافیت مالیاتی واحدهای اطلاع‌رسانی خصوصی در سه سال اول تأسیس.

۱۱-۴- هوشمندسازی نسبت به محیط زیست.

۱۲-۴- اعطای امتیاز ویژه صادراتی به محصولاتی که شرط سرسبزی را رعایت کنند.

۱۳-۴- قابل قبول شمردن هزینه‌های تولیدکنندگانی که شرط سرسبزی را رعایت کنند از نظر مالیاتی.

۱۴-۴- اعطای امتیاز به واحدهایی که در جهت بالا بردن سلامت محیط زیست کوشش نمایند.



صنایعی که می‌تواند حلقه اتصال بین صنایع را تحقق بخشد و همچنین در زمینه تحقیق و توسعه.

۲۴ انجام مطالعات شناسایی، مکان‌یابی و طراحی عملیات.

۲۴ اعطای انگیزه‌های تشویقی برای اتصال بخش‌های فعال اقتصادی.

۵-۲- اعطای جایزه ارزی یا ریالی به بخش‌های آورنده و تولیدکننده مواد اولیه صنایع.

۶-۲- تعیین مطلوبیت صادرات برپایه شاخص‌های روند خالص ارزآوری، کاربرد منابع ملی، میزان صادرات، سهم در بازار جهانی و پرداخت جایزه صادراتی بر اساس آنها.

## ۳- خط مشی‌ها و سیاست‌های مرتبط با اقتصاد ملی

۱-۲۰ محیط اقتصاد ملی باید به مجموعه‌ای از سیاست‌های زیر متکی گردد:

۱-۱-۳- ثبات ارزی شامل سیاست تثبیت نرخ ارز، لزوم برگشت ارز حاصل از صادرات به اقتصاد ملی و حرکت به سوی کارایی در مصرف ارز.

۲-۱-۳- ثبات رفتار دولت از طریق پذیرش اصل متناسب‌سازی جریان منابع مالی با منابع واقعی و استفاده از وجوه درآمد نفت برای سرمایه‌سازی در اقتصاد ملی و دسترسی مشترک و مشابه به بازارهای پول، سرمایه و بیمه.

۳-۱-۳- ثبات برنامه‌ریزی با اصلاح بینش ساختاری برای اصلاح ساختار در اقتصاد ملی، معیارگذاری در هر زمینه، محور قرار دادن ساخت تولید و مشخص کردن ارزش افزوده هر یک